

نشانه‌های شهر

منظر شهری، معیار ارزیابی معماری بناهای شاخص



آیدا آل هاشمی

کارشناس ارشد
معماری منظر

AYDAALHASHEMI@GMAIL.COM

طراحی کتابخانه ملی ایران بعد از فراز و نشیب‌های زیاد در سال ۱۳۷۳ برای بار دوم میان پنج مشاور ایرانی به مسابقه محدود گذارده شد. ظاهراً طرح مشاور «نقش جهان پارس» برنده شد، لکن قرارداد را با «پیرراز» منعقد کردند. پروژه با سرعت و طی عملیات اجرایی بی‌سابقه‌ای اجرا شد. در میان معیارهای داور، تکیه عمده بر مسائل عملکردی، اجرایی و فنی بوده و در مورد فرم معماری نیز به تواضع و استفاده از فرم‌های تجربه‌شده در فرم بیرونی و استفاده از شکوه و عظمت در فضاهای درونی اشاره شده بود و متأسفانه نه تنها طراح کتابخانه ملی توجهی به نقش بصری این پروژه ملی در شهر نکرده بود، بلکه هیئت داوران نیز توجه خود را تنها به بعد فنی و عملکردی پروژه معطوف داشته و نقش شهری و جایگاه آن در منظر شهر را به طور کامل نادیده گرفتند. در حالی که اصولاً ویژگی طرح‌های بزرگی مانند کتابخانه ملی یا فرهنگستان‌ها، توانایی آنها در تبدیل شدن به نشانه شهری است که در بسیاری از موارد به واسطه ویژگی خاص فرهنگی و هویتی بیشتر از طرح‌های شهری تحول ایجاد می‌کند. ولی متأسفانه طبقات شکل‌دهنده کتابخانه ملی ایران به دور از هرگونه یادمان‌گرایی آنچنان خنثی بر روی یکدیگر قرار گرفته و در پس زمینه تپه محو شده است که به سختی می‌توان از آن انتظار نشانه فرهنگی در شهر تهران را داشت چه برسد به کشور!

اگرچه پیش از آغاز به ساخت و در هنگام بهره‌برداری کتابخانه ملی نقدهای فراوانی بر آن رفت، اما امروز پس از گذشت چند سال از بهره‌برداری کتابخانه ملی ایران، عدم حضور آن در سیمای شهر و زندگی شهروندان قابل تأمل و تأسف است. اگرچه میلیاردها تومان در ایجاد نشان‌های هویت‌بخش به پایتخت هزینه می‌کنیم، اما گذر سطحی از توانایی بالقوه فضاهایی مانند کتابخانه ملی در خوانایی و هویت‌بخشی به شهرمان بسیار آزاردهنده است. در واقع هنگامی که صحبت از پروژه‌ای در سطح ملی می‌شود، انتظار می‌رود که این پروژه در سطح ملی هم نمود داشته و یا حداقل در سطح شهر بتواند شکل‌دهنده ذهنیت و خاطرات شهروندان از یک اتفاق باشد.

تهران شهر بیگانه‌هاست و روز به روز با قلمرو ذهنی تعلقات مکانی و خاطرات جمعی شهروندان خود نیز بیگانه‌تر می‌شود. بیگانگی شهر تهران از خویشتن سنتی و نبود مؤلفه‌های نافذ و با ثبات معاصر و مدرن با بار هویتی و فرهنگی در کنار توسعه به دور از برنامه‌ریزی بنیادین، منجر به نوعی سردرگمی، اغتشاش و عدم خوانایی در شهر شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این ناخوانایی، نبود شبکه قوی و سازمان‌یافته‌ای از عناصر شاخص عینی و ذهنی است که قابلیت ظهور در نقش نقطه عطف و نشانه در گستره وسیع شهر تهران را داشته باشد. در این میان، پروژه‌های معماری در مقیاس ملی با بار فرهنگی و هویتی خاص خود فرصت مغتنمی است در اضافه کردن نقطه عطفی هویت‌ساز به شهر که علاوه بر افزایش خوانایی در سیمای شهر با حضوری تعیین‌کننده در زندگی شهر، مکانی برای شکل یافتن خاطرات مشترک شهروندان را نیز فراهم آورد.

از مهم‌ترین پروژه‌های معماری که در دهه اخیر با مقیاس ملی و با روندی منطقی در شهر تهران اجرا شد، ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران واقع در تپه‌های عباس‌آباد تهران است.

این نوشتار تلاش می‌کند تا این پروژه را، در مقیاس منظرین شهر مورد بررسی قرار داده و آن را از همین زاویه با کتابخانه ملی فرانسه در پاریس مقایسه کند.

کتابخانه ملی ایران، مسابقه طراحی محدود در سال ۱۳۷۳ (۵ طرح)

طرح برنده: مهندسین مشاور پیرراز

مکان قرارگیری کتابخانه ملی ایران در اراضی عباس‌آباد اگرچه به لحاظ موقعیت مکانی و بصری ویژه از نقاط قوت کتابخانه ملی به شمار می‌رود، ولیکن محصور شدن آن میان اتوبان‌ها، ارتباط کتابخانه را با شهر و زندگی شهروندان قطع کرده و در کنار آن عدم توجه به یادمان‌گرایی و شکوه در فرم باعث شد تا کتابخانه ملی ایران به تنهایی در پشت تپه‌های عباس‌آباد پنهان شده و تقریباً از هیچ یک از اتوبان‌ها و مناطق اطراف دیده نشود.





۱: قرارگیری کتابخانه ملی فرانسه در بافت پاریس، نقش مؤثری در منظر شهر ایفا می‌کند، مأخذ: www.panoramio.com.

کتابخانه ملی فرانسه، مسابقه طراحی محدود در سال ۱۹۸۹ (۲۰ طرح)

طرح برنده: دومینیک پرو

شاخص بودن مکان قرارگیری کتابخانه ملی فرانسه در ساحل شمالی رودخانه «سن» در شرق شهر پاریس، هم از جنبه مکانی و هم بصری قابل توجه است در عین اینکه انتخاب شرقی‌ترین محدوده شهر پاریس و به دور از سایر مراکز مهم فرهنگی و توریستی شهر، خود فرصت مغتنمی را برای این منطقه مهیا می‌سازد. ارتباط نزدیک و قرارگیری سایت میان بافت شهری نیز از ویژگی‌های قابل ذکر سایت انتخابی برای احداث کتابخانه ملی فرانسه به شمار می‌رود.

طراحی کتابخانه ملی فرانسه در ادامه تصمیم رئیس جمهور وقت فرانسه «فرانکوئیس میتراند» برای ایجاد بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین کتابخانه جهان در سال ۱۹۸۹ به مسابقه گذارده شد و طرح «دومینیک پرو» از میان طرح بزرگانی چون «رم کولهاس» و «ژان نوول»، «ماریو بوتا»، «ریچارد مهیر»، «نیکلاس گریمشو» و «آوارو سیزا» به عنوان طرح برنده انتخاب و اجرا شد. اگرچه طرح «پرو» به واسطه بلندپروازی در استفاده از ۴ برج شیشه‌ای برای قرارگیری مخزن کتاب‌ها و همچنین استفاده غیر متعارف از مصالح و مصرف بالای انرژی، در ابتدا مورد انتقادات فراوانی از جانب محافل دانشگاهی و فنی قرار گرفت، ولی در نهایت دو ویژگی عمده، کار او را شایسته انتخاب و برنده شدن کرد:

۱- نگاه نمادین و بلندپروازانه فرمال آن در محدود فضای ساخته شده به چهار برج که چهار کتاب ایستاده را می‌نمایاند.

۲- توجهی که پرو به شهر و شهروندان داشته است؛ آنچنان که پروژه وی در واقع پلازایی شهری برای حضور مردم است. اگرچه رویکرد صنعتی در طراحی و عدم توجه به مقیاس انسانی در فضاها نکات منفی طرح پرو به شمار می‌رود، اما در حقیقت ایجاد ارتباط مستقیم میان شهر، باغ و کتابخانه نکته کلیدی طراحی است و مسایل فنی و صرفه‌جویی در اجرای چنین پروژه عظیمی نقش مهمی ندارد. کتابخانه ملی فرانسه در هنگام ساخت، بزرگترین پروژه شهری در شهر پاریس به شمار می‌رفت. پس از گذشت بیش از یک دهه از بهره‌برداری کتابخانه ملی فرانسه می‌توان به نظر هیئت داوران در توجه و تکیه بر جنبه‌های نمادین و نقش کتابخانه ملی در شهر و سیمای آن ایمان آورد؛ به طوری که کتابخانه ملی فرانسه مهم‌ترین نقطه عطف در محدوده شرقی شهر پاریس به شمار می‌رود، ارتباط مستقیمی با شهروندان ایجاد نموده و نقش مؤثری در سیما و منظر شهر پاریس ایفا می‌کند.

مقایسه این دو نمونه، تفاوت معیارهای قضاوت در انتخاب طرح برنده در پروژه‌های ملی و نتایج حاصل از آن را نشان می‌دهد. در حقیقت یکی از چیزهایی که در چنین پروژه‌های مهمی باید بیش از مسایل فنی و اجرایی مورد توجه و تأکید قرار گیرد، نقش منظرین پروژه و جایگاه آن در سیمای شهری است.